

27 دسمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

یادی از یک استاد دانشمند، وطندوست و مبارز: مرحوم پوهاند فضل ربی پژواک

سه هفته قبل محترم برمک پژواک پسر مرحوم پوهاند فضل ربی پژواک مژده چاپ یک کتاب پدر خود را برایم داد و یک کاپی دیجیتال آنرا در آدرس ایمیل ارسال داشت و خواهش کرد تا پس از مطالعه آن چند سطر در زمینه بنویسم. اینکار را البته با اخلاص و ارادت که به پوهاند پژواک مرحوم از سالهای سال به حیث یک دوست عزیز، دانشمند و هم مسلک خود داشتیم، جزء رسالتی میدانم که برای بزرگداشت مقام این شخصیت مبارز به خوشی و ارادت ایفا میکردم. با ابراز امتنان از آقای برمک پژواک که بعد از تقریباً چهاردهه موفق به چاپ این کتاب پرمحتوای پدر بزرگوار خود شده و با ذکر خیر و اتحاف دعا در حق استاد، اینک مختصری درباره شخصیت و کتاب او تحت عنوان "ناسیونالیزم افغان در پهنای تاریخ" می پردازم که در سال جاری (1400 شمسی) توسط انتشارات امیری در کابل و جمعاً در 320 صفحه به چاپ رسیده است.



پوهاند فضل ربی پژواک اصلاً منسوب به یک خانواده سرشناس و دانشمند مسکونه قریه "باغبانی" ولسوالی "سرخرود" ولایت ننگرهار است، اما چون پدر بزرگوارش مرحوم قاضی عبدالله خان مدتی به حیث قاضی در ولسوالی خوگیانی آن ولایت ایفای وظیفه میکرد، استاد در سال 1304 ش (1925 م) در آنجا چشم به جهان کشود و پس از فرا گرفتن تعلیمات ابتدائی به کابل آمد و در لیسه حبیبیه شامل و بعد فراغت از مکتب در سال 1325 ش (1946 م) در فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل ادامه تحصیل داد. او هنوز محصل آن فاکولته بود که اولین "اتحادیه محصلین" پوهنتون کابل در اواخر ماه حوت 1329 در دوره صدارت سردار شاه محمود خان غازی در جریان فعالیتهای "مشروطه خواهی" آنوقت تشکیل گردید. محصلان شامل در این اتحادیه بار اول در تاریخ کشور دست به فعالیت های سیاسی زدند و به بیدارگری جوانان پرداختند. در آن

موقع که محصلان عضو اتحادیه به تدویر اجتماعات و فعالیت های سیاسی می پرداختند، فضل ربی که آنوقت "فرید" تخلص میکرد (سالها بعد تخلص خانوادگی را به تاسی از برادر بزرگوار خود استاد عبدالرحمن پژواک برای خود برگزید)، به حیث عضو فعال آن اتحادیه اولین نمایشنامه انتقادی را بنام "وحدت ملی" نوشت که توسط تعدادی از محصلان در "پوهنی ننداری" (در جوار مکتب استقلال) به تکرار به نمایش گذاشته شد و از طرف مردم با استقبال شایان مواجه گردید. او به حیث یک "ملیگرای آزاداندیش" از همان ایام جوانی مخالف نظام شاهی مطلقه بود و بخصوص از ظلم و استبداد دوره سلطنت محمدنادر شاه و صدارت محمد هاشم خان رنج می برد و به همین دلیل داخل مبارزات سیاسی آنوقت گردید که اتحادیه محصلان یکی از شاخه های فعال آن جریان محسوب می

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

شد. استاد پژواک بعد از یک وقفه کوتاه درسی در سال 1331 ش (1952م) از آن فاکولته فارغ و متعاقباً به حیث اسیستانت در کدر علمی آنجا شروع بکار کرد. در سال 1336 ش (1957م) غرض تحصیلات عالی به امریکا اعزام شد و با کسب دیپلوم ماستری از پوهنتون جارج تاون در سال 1338 (1957م) به وطن برگشت و به وظیفه استادی در آن فاکولته ادامه داد و در مدت تقریباً سی سال خدمت به حیث استاد توانست با تربیه صدها شاگرد و ارتقا به رتبه "پوهاند" نایل گردد.

پس از حادثه 3 عقرب 1344 ش (25 اکتوبر 1965م) پوهنتون کابل قدم بقدم به میدان مبارزات سیاسی بین گروههای چپ و راست افراطی تبدیل گردید و در ادامه آن سلسله مظاهرات و اخلاص مقطعی دروس براه افتاد که منجر به مداخله پولیس در حریم پوهنتون شد. در اوایل سال 1348 (1969م) موضوع تدوین قانون جدید پوهنتون مطرح و تصویب گردید که برطبق آن پست ریاست پوهنتون و ریاست پوهنئی ها بطور انتخابی مورد اجراء قرار گرفت. پوهاند پژواک به حیث اولین رئیس انتخابی پوهنتون کابل انتخاب شد. اما او در این مقام با مشکلاتی مواجه گردید که ناگزیر بعد از مدت یک سال از آن مقام استعفی داد. با ادامه مظاهرات و تشکیل اتحادیه محصلان فعالیت های سیاسی نیز در پوهنتون کابل گسترش بیشتر یافت و پوهاند پژواک در راس آن انتخاب شد.

وقتی در روزهای اخیر دوره صدارت مرحوم نور احمد اعتمادی پس از ختم تحصیل از اطیش به وطن برگشتم و مجدداً به حیث استاد در پوهنئی اقتصاد بکار آغاز کردم، اوضاع پوهنتون و در مجموع وضع عمومی بخصوص پارلمان بسیار متشنج و سلسله مظاهرات هر روزه شهر کابل را به یک حالت بی نظمی در آورده بود. زیر این فشارها صدراعظم اعتمادی استعفی داد و بجایش داکتر عبدالظاهر به حیث صدراعظم مقرر شد، اما تقرر او نتوانست در بهبود اوضاع اثر کند. درقبال این وضع فعالیت اتحادیه محصلان تحت ریاست پوهاند پژواک نیز بیشتر گردید و چون اکثریت اعضای این اتحادیه منسوب به جریانهای چپ و راست افراطی بودند و در آن جریان چپ اکثریت داشت، پوهاند پژواک به حیث یک شخصیت ملیگرا و غیر وابسته به جریانهای فوق در موقفی قرار گرفت که ناگزیر به خواست اکثریت اعضای اتحادیه تمکین کند. روزی ضمن صحبت خصوصی موضوع را با او در میان گذاشتم، در جواب گفت: یک بار از ریاست پوهنتون استعفی دادم و اگر این بار بازم متوسل به استعفی شوم، کار درست نخواهد بود و حیران هستم چه کنم. او حق داشت، چون در موقف بسیار حساس بین دو جناح رقیب قرار گرفته بود.

پس از کودتای 26 سرطان 1352 ش و اعلام جمهوریت که فعالیت های سیاسی جریانهای چپ و راست در کشور ظاهراً فروکش کرد و دیگر خبری از مظاهرات نبود و فضای اکادمیک در پوهنتون حاکم گردید، استاد پژواک نخست به حیث والی ولایت هلمند و سپس به ریاست پلان وزارت داخله مقرر شد و اما بعد از کودتای 7 ثور 1357 و یک وقفه کوتاه دوباره بحیث استاد در پوهنئی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بکار آغاز نمود. پس از ورود قوای شوروی به کشور، او علیه این تجاوز صدا بلند کرد و با یک تعداد استادان دیگر باهم به فعالیت مخفی علیه رژیم خلقی - پرچمی و تشکیل "جبهه آزادیخواهان" پرداختند که در آن یک تعداد از استادان پوهنتون از جمله: داکتر سید هاشم صاعد، داکتر حسن کاکر، داکتر محمد طاهر هاشمی، داکتر سید خلیل الله هاشمیان، داکتر محمد طاهر سیفی، داکتر عطا محمد نورزائی، داکتر عثمان روستار تره کی، داکتر عزیز الله لودین و عده ای دیگر فعالیت داشتند. متأسفانه این جبهه دیر دوام نکرد و چند تن از استادان از جمله داکتر کاکر و داکتر روستار تره کی زندانی شدند و تعداد دیگر مخفی و یا به مهاجرت پرداختند.

ناگفته نباید گذاشت که "جبهه آزادیخواهان" دومین گروه فعالان سیاسی استادان پوهنتون کابل علیه رژیم خلقی - پرچمی بود و گروه اول که متعاقب کودتای ثوردر ماه جوزای 1357 تشکیل گردید و تحت نام "حزب وحدت ملی" بطور مخفی به فعالیت آغاز کرد، متشکل از استادان ذیل بودند: داکتر عزیزالله لودین، داکتر میرمحمد امین فرهنگ، داکتر محمد عثمان هاشمی، داکتر غلام محمد نیاز، داکتر محمد اختر مستمندی، داکتر عبدالله عثمان، محمد داؤد یار و اینجانب داکتر سید عبدالله کاظم که همه از استادان پوهنځی طب و پوهنځی اقتصاد پوهنتون کابل بودند. فعالیت مخفی این گروه در اواخر ماه سرطان 1357 کشف شد و همه استادان فوق الذکر به استثنای محمد داؤد یار که مخفی گردیده بود، دیگران همه بازداشت و به اتهام کودتا علیه رژیم پس از تحقیق و تحمل زجر و شکنجه در پلچرخی زندانی شدند که پس از تهاجم شوروی، سقوط امین و آمدن ببرک کارمل طی اعلام عفو عمومی همه با سایر زندانی های آن دوره از زندان رها شدند.

قابل یادآوری است که چند روز از آزاد شدنم از زندان نگذشته بود که پوهاند پژواک به خانه به دیدنم آمد و به دلیل حضور دیگر دوستان مجال صحبت خصوصی میسر نگردید و زودتر خداحافظی کرد و رفت، اما دو سه هفته بعد بار دیگر تشریف آورد و توانستیم باهم درد دل دوستانه راجع به اوضاع ناهنجار کشور کنیم. ضمناً او موضوع فعالیت سیاسی گروه جدید تشکیل "جبهه آزادیخواهان" را با من در میان گذاشت. خدمت عرض کردم که هنوز نفر مؤلف استخبارات در جوار خانه مراقب رفت و آمدها در منزل ما میباشد و ترس من از شماسست که مبادا زیر تعقیب گرفته شوید و هم اگر این بار مرا دستگیر کنند، به یقین راساً زیر خاکم خواهند کرد و گفتم باید احتیاط کنید. به هرحال خدا حافظی کرد و رفت و دیگر او را ندیدم، سالها بعد از وفات این دوست عزیز خود شنیدم که (بتاریخ 19 عقرب 1366 ش - 11 نوامبر 1987) به اثر تکلیف قلبی در کابل به دارالبقاء شتافته است. خدای بزرگ این شخصیت آزاداندیش، وطندوست، دانشمند، مبارز، پاک طنیت، صاف دل و کمی خوشباور را غریق رحمت کند و جایش در بهشت برین دارد، روحش شاد و یادش گرامی باد!

مرحوم پوهاند پژواک آثار متعدد علمی از خود بیادگار گذاشته که بعضی آن به چاپ رسیده است، از جمله کتاب حاضر تحت عنوان "ناسیونالیسم افغان در پهنای تاریخ" که اساساً بر مبنای لکچر نوتهای درسی شان تهیه گردیده و در سال 1347 استاد با اضافات مزید به تدوین آن به حیث یک کتاب مستقل پرداخته و در سال 1352 به پایه اكمال رسیده و با تغییرات سیاسی بعدی نتوانسته در مورد چاپ آن اقدام نماید. این کتاب پرمحتوا عصاره مطالعات دوامدار استاد در تاریخ قدیم و معاصر کشور میباشد که با استفاده از مآخذ معتبر داخلی و خارجی به شیوه اکادمیک در 9 فصل و جمعاً 320 صفحه در سال جاری در کابل به طبع رسیده و فصول آن هریک با عناوین ذیل ترتیب گردیده است: تعریف ملت، ادیان در ادوار مختلف، اجزای ملت افغانستان، السنه، تاریخچه نام افغانستان امروز، مبارزات ملی قبل از اسلام، روحیه ملی افغان در عهد فتوحات عرب، قیام ملی در برابر سلطه جوئی مغلی و صفوی، اضمحلال سیاست سلطه جوئی انگلیس.

فصل اخیر کتاب که با رویداد های مهم تاریخ معاصر کشور و بخصوص سه جنگ افغان - انگلیس از دوره شاه شجاع تا استرداد استقلال کشور در عصر امانی یکی از مباحث مهمی است که بیشتر به خصوصیات آزادمندی ملت و مردم افغانستان روشنی انداخته و محتوای آن میتواند درس خوب و آموزنده برای نسل جوان وطن باشد که بدون شک با مطالعه آن روح مبارزه را برای حفظ و

صیانت خاک و حاکمیت ملی و استقلال کشور و همچنان ایستادن به پای خود تقویه میدارد. امید است نسل جوان از مطالعه این اثر پرمحتوا فیض ببرند و نیز اگر ممکن باشد آنرا به حیث یک کتاب ممد درسی برای صنوف بالاتر لیسه ها مورد استفاده قرار دهند.

در ختم کتاب مرثیه بس نغز و پراحساس استاد بزرگ و شخصیت نامدار کشور مرحوم عبدالرحمن پژواک زیب این کتاب گردیده که درسوگ مرگ برادر جوانتر خود استاد فضل ربی پژواک با چنان تأثر سروده که فکرمیکنم این مرثیه از نظر محتوا و زیبایی کلام یک شهکار دیگر از قلم این بزرگمرد باشد که روحش شاد و یادش برای همیشه گرامی باد!

داکتر سید عبدالله کاظم

سن هوزه - کالیفورنیا - مورخ 27 دسمبر 2021

مرثیه استاد عبدالرحمن پژواک در عزای برادرش پوهاند فضل ربی پژواک

رضای الهی رضای من است
که من بنده و وی خدایی من است
ولی شکوه ها دارم از روزگار
که آنرا نداند بجز کردگار
چنان آفریده است ما را خدای
که از درد نالیم و گویم وای
ندارم چو آرای گفتن که وای
خموشانه نالم: خدایا خدای

مرا نیرویی یک پیام آرزوست
ز بخت سیه انتقام آرزوست
خدایا تویی داور مغتتم
به داد و درستی جهان منتظم
بده نیروی آنکه آوای من
به گیتی کند پخش غوغای من
کشم ناله ای از فشرده گلو:
"نفو بر تو ای چرخ گردون نفو*"

ز کین فلک شکوه ها سر کنم
نکردم چو هرگز من ایدر کنم
به بافنده این گلیم سیاه
برم با تضرع به شکوی پناه
که ای کردگاری که بخشنده ای
چه کردم که آنرا نه بخشیده ای
مرادم بجز این مناجات نیست
بجز داد قاضی ی حاجات نیست

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولئ

چو بیچاره سازد وړ ا چاره ساز
چه سود ار کند کس سر شکوه باز
همان به که هرگز ننالم دگر
چو دالم که در ناله نبود اثر
همان به خدا را نمازی کنم
به صبر و تسلی نیازی کنم
ندارد دگر چاره جز از شکیب
کند حادثه چون بر انسان نهیب
ولی درد دوری ز میهن کجا
کجا صبر و درد دل من کجا؟!
حوادث مرا از وطن دور کرد
پس آنگاه بیمار و رنجور کرد
اگر خود قضا بود یا بخت بود
غم هجرانم از وطن سخت بود
پناهنده گشتم به ملک دگر
که شاید بیایم پناهی مگر
که با آنکه آن خاک اغیار بود
در آن تعبیه روح انصار بود
که هر چند اگر ملک اغیار هست
وطن گر نه، آنجا وطندار هست
ولی خود غلط بود پندار من
مرا راند زان خاک انصار من
تو دیدی ز نزد مهاجر کسی
شود بار دیگر مسافر کسی؟!
ازینگونه انصار نبود عجیب
کنند ار غریبی فزونتر غریب
پناهی گزیدم ز کشتار حرب**
کنونم پناهنده در دارحرب***
الهی الهی الهی الهی!
تو ما را یگانه پستی و پناهی
چو بر ما کند ظلم و بیداد کس
نداریم غیر از تو فریادرس

حوادث بیاورد بر سر مرا
غم صد هزاران برادر مرا
نه تنها برادر هزاران خواهر
هزاران فرزند دلیند مادر
همه غازی و جانباز و شهید
همه سر فرازان سرمد سعید
مگر بس نبود اینهمه درد من

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولئ

که بگرفت " فضل ربی " راز من؟!

تو ای " فضل ربی " برادر مرا
به صد جان شریں برابر مرا
چو زادی ترا نام شد فضل رب
چو مردی سر انجام شد امر رب
برادر چو نامت نیکو زیستی
مپندار اندر دلم نیستی
برادر چو نام نیکو برده ای
نه پندارم هرگز که تو مرده ای
تویی زنده اندر دل روزگار
ز فضل رب ومدد پروردگار
حدیثی شنیدم ز دانایی راز
که جز از حقیقت بچیزی مناز
بجز از خدا کل شی هالک است
نه بر هستی خویشتن مالک است
درین حکم ایزد یکی حکمت است
که بنده نه شایان هر قدرت است
چو هرکس بیاید سرانجام مُرد
خهی آنکه مُرد و نکونام مُرد
تو رفتی ز ماتمسرای جهان
به عشرتسرای جنان جاودان
به جایکه فارغ ز هر ماتم است
در ان زندگی خنده پیهم است
نه چون این جهان که دانای راز
حکیمی سخنور از آن گفت باز:
"شبی زار نالید ابر بهار
که این زندگی گریه پیهم است
درخشید برق سبکسیر و گفت
"خطا کرده ای خنده یکدم است
تو رفتی و من مانده در این جهان
گرفتار رنج و غم خاکدان
نشاید که من بر تو گریم چنین
نباید ز حال تو باشم حزین
سزد گریه بر خود کنم زار زار
چو باران نیسان و ابر بهار

عبدالرحمان پژواک
واشنگتن دی سی
قوس ۱۷۸۹

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ